

نخستین ضربت انگلیس بر افغانستان

در استانه قرن ۱۹ میلادی

دقت در تاریخ دو قرن اخیرکشور نشان میدهد که علت العلل تمام رقابتهای و تهاجمات و تمام تجاوزات روس و انگلیس در سراسر قرن ۱۹ بر افغانستان ایران و آسیای میانه، موجودیت هندوستان ثروتمند در مجاورت این کشورها بود که دول استعماری اروپا را چون گرگان هار شده بسوی آن ثروتها کشانید.

در میان پسران متعدد تیمورشاه درانی زمان شاه تنها کسی بود که میخواست قدم بر جای قدم جد خود احمدشاه بابا گذارد و دهلی را فتح کند، اما استعمار انگلیس نگذاشت او به این مقصد خود نایل گردد. در فرصتی که ناپلئون بناپارت طرح حمله مشترک خود با روسیه را برهندهترتیب میداد، زمامدار افغانستان، زمانشاه برای فتح دهلی با لشکر سی هزارنفره خود عازم آندپارگردید و بدون کدام مانعی در اوایل ماه جنوری ۱۷۹۷ وارد لاهور شد.

پیشروی سپاه درانی بسوی دهلی شوروهیجان عجیبی در سراسر هند تولیدکرد و اگر دسایس انگلیس برای ایجاد موانع در برابر زمان شاه نمیبود فتح دهلی را نصیب میشد. هنگامی که هواداران زمانشاه از افغانان روهیله تا دکن خود را برای استقبال از زمانشاه آماده میساختند، ناگاه خبر شورش شهزاده محمود (والی هرات) بگوش زمانشاه رسید. زمانشاه با اطلاع این خبر به قندهار برگشت و در هفتم سپتمبر ۱۷۹۷ از قندهار برای مقابله با شهزاده محمود حرکت کرد. مگر شهزاده محمود قبل از شروع جنگ با زمانشاه، شکست خورد و باپسر خود کامران به ترشیز ایران گریخت. علت شکست محمود خیانت دوتن از نزدیکانش به او بود که شهر را در اختیار گرفتند و از زمانشاه استقبال کردند. زمانشاه با سپاه خود وارد شهر شد ولی بجز دونفر از محرکین این غایله بیشتر کسی را نکشت. یک سال بعد، زمانشاه سومین لشکرکشی خود را بعزم فتح هند آغاز نمود و در ۲۵ اکتوبر ۱۷۹۸ از پشاور بجانب لاهور شتافت و مثل گذشته بدون مانعی وارد لاهور شد. این بار خوانین و زمینداران پنجاب نیز به دربار زمانشاه برای ادای احترام حاضر شدند که در این جمله رنجیت سینگ نیز شامل بود.¹ جوش و خروش مسلمانان هند برای پذیرائی از لشکرکشی زمانشاه بر هند یکجا با این افواه که او با ناپلئون بمنظور فتح هند دست یکی کرده است، انگلیسها را بخوف انداخت و بیدرنگ دست به دیپلوماسی شدیدی زدند. لارد ویسلی حاکم اعلی کمپنی در کلکته به نماینده ایرانی الاصل خود مهدی خان ملقب به بهادر جنگ نماینده کمپنی در بوشهر ایران هدایت داد تا با دربار قاجاری تماس گرفته، ایران را بر ضد دولت افغانستان تحریک و به کمک انگلیس امیدوار کند. مهدیخان بحضور شاه (فتح علیشاه قاجار) بار یافت و در ضمن مطالب دیگر اظهار داشت:

« زمانشاه که در لاهور است بر شیعیان آنجا ظلم میکند، هزاران نفر شیعی از ظلم او بممالک کمپنی هند شرقی پناهنده شده اند، اگر پادشاه ایران بر افغانها حمله نماید، ثواب جمیل حاصل خواهد کرد. برای اینکار بهتر است محمودشاه (برادر زمانشاه) را که در ایران پناهنده است با نیروی کمکی به افغانستان بفرستد تا بر برادرش غلبه نماید و ستمگری زمانشاه بر شیعیان خاتمه یابد.»² این تفتین انگلیس، موثر افتاد و دولت فارس را بر آن داشت تا برای زمانشاه که به لاهور رسیده

1 - الفنستون، افغانان، ترجمه آصف فکرت، چاپ مشهد، ص ۵۰۸-۵۱۰

2 - فرهنگ، افغانستان در پنج قرن اخیر، ج ۱، ص ۱۹۱

بود، در خراسان مزاحمت خلق کند. فتح علی شاه قاجار که تحایف و وعده های انگلیس ها را در یافته بود، به اتفاق شهزاده محمود برادر زمانشاه بقصد تسخیر خراسان لشکر کشید [اواخر ۱۷۹۸]. وقتی زمانشاه از لشکرکشی شاه قاجار بر خراسان مطلع شد، با شتاب به افغانستان برگشت. در ۳۰ جنوری ۱۷۹۹ زمانشاه به پشاور رسید و پس از توقیف کوتاه از پشاور آهنگ هرات کرد. زمانشاه نگران بود که ممکن است برادرش محمود با کمک شاه قاجار بر هرات یا قسمت دیگری از خراسان تسلط یابد. زمانشاه بعد از مواصلت به هرات به عساکرش استراحت داد، اما دیری نگذشت که مطلع شد شاه قاجار به تهران بازگشته است.³

غبار از حمله شاه قاجار با همراهی شهزاده محمود بر خراسان در سال ۱۷۹۸ یاد نموده و نامه سردار رحمت الله خان صدراعظم زمانشاه را به صدراعظم فارس نقل و علاوه میکند که: «این بار فتح علیشاه روی رضا نشان داد و به شهزاده محمود گفت: شما بواسطه ناسازگاری هوا باید به طبرستان و یا ترشیز اقامت نمائید و تا سال آینده نمیتوانید اقدام بر ضد زمانشاه کنید. البته در آینده بروسای عرب آن منطقه امر خواهد شد که در حمله بر هرات با شما کمک کنند. از آن بعد در یک روز زمانشاه از هرات بقصد قندهار و فتح علیشاه از سبزواری به قصد تهران مراجعت کردند.»⁴

فرهنگ اشاره به محتوای نامه های میکند که بین صدراعظم زمانشاه (سردار رحمت الله خان) و حاجی ابراهیم صدراعظم فارس رد و بدل شده بود و مینویسد: «وقتی شاه قاجار قریه مزینان سبزواری را محاصره کرد یک نفر افغان از طرف وفادار خان وزیر اعظم زمانشاه نامه ای با چند شال ظریف به عنوان خلعت برای حاجی ابراهیم وزیر اعظم قاجار آورد. در این نامه صدراعظم زمانشاه نوشته بود: «اگر حکمران ایران (فارس) از حمایت شهزاده محمود دست بکشد و اطمینان بدهد که به متصرفات افغانستان حمله نخواهد کرد تا زمانشاه بتواند بدرستی نقشه اش را در کشور هندوستان تعقیب کند، زمانشاه از حمایت رؤسای خراسان (جعفر خان بیات والی خراسان و الله یارخان از امرای طرفدار دولت درانی که بدست دولت ایران اسیر شده بودند) خود داری خواهد کرد و تمام ایالت را تا چند میلی هرات رها خواهد کرد تا به تصرف شاه ایران درآید.»⁵

بدینسان اولین تفتین انگلیس بر ضد منافع افغانستان به ثمر نشست و نخستین ضربت انگلیس بر بیکر افغانستان وارد گردید و بر اثر مشوره های غلط سردار رحمت الله خان صدراعظم کم درایت زمانشاه، خراسان به تصرف ایران در آمد (۱۷۹۹)، در حالی که زمانشاه به فتح هند نایل نشد. تعجب انگیز است که چگونه زمانشاه با لشکر عظیم و آماده نبرد در دفاع از ازمصرفات خود در غرب کشور حاضر گردید از خراسان به نفع شاه قاجار صرف نظر نماید به شرطی که از کمک به شهزاده محمود دست بردارد [درحالیکه میتواند با دادن خراسان به برادر خود تمامیت ارضی کشور خود را حفظ کند]. ایران که چنین تحفه بزرگ را از سوی زمانشاه دید، بلادرنگ بدرخواست زمانشاه راضی شد و شهزاده محمود را از خود دور ساخت.

زمانشاه به قندهار آمد و چندی توقف کرد، مگر در همین وقت توطئه خطرناکی بر ضد او در حجره یک نفر هندی بنام میان غلام محمد [که احتمالاً گماشته انگلیس بود]، توسط جمعی از خوانین و فیودالهای بزرگ قندهار بسرکردگی سردار پاینده خان سازمان یافته بود که هدفش خلع زمانشاه از پادشاهی و اعدام رحمت الله خان وزیر، و استقرار شاه شجاع بجای زمانشاه بود. اما قیل از آنکه این توطئه عملی گردد، منشی محمد شریف که خود شامل این دسته بود، اسرار جمعیت را به وزیر و پادشاه افشا کرد. زمانشاه فوراً تمام اعضای جمعیت را جدا جدا احضار و اعدام نمود. میا غلام محمد هندی نیز که در قضیه دست داشت، از ترس فرار کرده بود، از سوی فرستادگان رحمت الله خان وزیر دستگیر و اعدام شد.

۳ - الفنسٹون، افغانان، ص ۵۱۰

۴ - غبار، افغانستان در مسیر تاریخ، ج ۱، ص ۳۸۸

۵ - فرهنگ، ج ۱، ص ۱۹۲

وابستگان سران اعدام شده منجمله فتح خان پسر پاینده خان بارکزائی با برادران خود، ومهراب خان، شهبوارخان، گدوخان والله دادخان بارکزی ، الوخان وتیمورخان الکوزائی، عبدالرسول خان، امام بخش خان، عبدالعزیز ومحمدکریم خان عزیزائی ومنصور خان گرجی زائی وغیره که تعدادشان به ۸۵ نفر می رسید، از قندهار فرار کردند وبرخی با همراهی فتح خان به ایران رفتند. ودر ترشیز [وبروایتی درشهریم کرمان] به شهزاده محمود پیوستند.⁶

فتح خان که از لحاظ قوت قومی بعد از خاندان شاهی سدوزائی قرار داشت، شهزاده محمود را برای احراز مقام سلطنت از چنگ زمانشاه تشویق وبه حمایت اقوام بارکزائی خود مقیم فراه وهلمند وقندهار امیدوار و دلگرم ساخت. شهزاده محمود هم از بم کرمان به سیستان وارد شد ودختر ملک بهرام کیانی را به پسر خود کامران نکاح بست و بعد وارد فراه گردید. فتح خان در فراه حمایت اقوام بارکزائی خود را از شهزاده محمود جلب کرد و سپس عازم هلمند شدند. در هلمند قوت های قومی فتح خان بیشتر از پیش گردید و شهزاده محمود با کمک پسران سردار پاینده خان ودیگراقوام و دوستان شان توانست قندهار را در سال ۱۸۰۱ متصرف شود. خبر فتح قندهار در پیشاور توسط گل محمدوالی قندهار به زمانشاه رسید. زمانشاه با سرعت به کابل برگشت ولی از شهزاده محمود شکست خورد. زمانشاه در راه فرار در قلعه عاشق خان شینواری در نزدیک سروبی از سوی طرفداران شهزاده محمود دستگیر گردید و از نعمت باصره محروم گشت وصدر اعظم او سردار رحمت الله خان بجرم قتل سرداران قندهاری اعدام شد (۱۸۰۱).

در اوایل سال ۱۸۰۱ انگلیس بمنظور رفع حملات زمانشاه برهند سفیر فوق العاده خود سرجان ملکم را غرض عقد قراردادی به تهران فرستاد. سرجان ملکم در دهم جنوری ۱۸۰۱ یک قرارداد با دولت ایران علیه افغانستان امضاء کرد که برطبق آن از هرگونه دخالت افغانها وفرانسویان در هند و در ایران جداً جلو گیری میکرد. ماده دوم این قرار دادچنانکه قبلاً نیز بیان گردید، میگفت: «هرگاه پادشاه افغانستان تصمیم بگیرد که به هندوستان حمله نماید، چونکه سکنه هندوستان رعایای اعلیحضرت پادشاه انگلستان می باشند، یک قشون کوه پیکر باتمام لوازم و مهمات آن از طرف کار گزاران اعلیحضرت قدر قدرت شاهنشاهی ایران به افغانستان مامور خواهد شدکه آن مملکت را خراب و ویران نماید و تمام جدیت و کوشش را بکار خواهند بردکه آن ملت بکلی مضمحل شده و پریشان گردد.» و ماده چهارم بیان میکرد: «هرگاه اتفاق افتد که پادشاه افغانستان یا کسی از ملت فرانسه بخواهد با دولت شاهنشاهی داخل جنگ گردد... انگلیس به ایران کمک نظامی میکند.»⁷

انگلیسها با عقد این قرارداد با ایران برضد افغانستان وفرانسه، هم ایران را برای اشغال کامل خراسان تشویق کردند وهم فرانسه را در تمام تلاشهایش برای فتح هند ناکام ونامید ساختند وهم زمانشان را که خواب فتح هندوستان را می دید از میان بردند. مورخین این همه بدبختی های وارده را نتیجه مشورتهای غلط سردار رحمت الله خان صدراعظم زمانشاه میدانند ولی باید بخاطر داشت که آرزوی تسلط بردهلی وراندن انگلیس از آن سرزمین عامل اصلی از دست دادن خراسان و بعد ها بخشی از سیستان به ایران، و پنجاه و آق تپیه، چمن بید و چشمه سلیم وپامیروشغان به روسها، واز دست دادن مناطق قبایلی جنوب خط دیورند [پشتونستان] برعلاوه از دست دادن استقلال خارجی شاهان سدوزائی ومحمدزائی تازمان رویکار آمدن امان الله خان گردید.⁸

پایان ۲۰۱۹ / ۷ / ۳۰

۶ - غبار، ج ۱، ص ۳۸۹

۷ - فرهنگ، ج ۱، ص ۱۹۱، مقایسه شود با غبار، افغانستان در مسیر تاریخ، ص ۵۰۳

۸ - کاندید اکادمیسین سیستمی، دفاع از ارزشهای ملی وظیفه عناصر ملی است، چاپ دانش، ۲۰۱۴ مقاله پنجم